



انقلاب جنسی و نهضت خودمهارگری در غرب

محمد زارعی توپخانه

حدیث چراغیان



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۸

زارعی توپخانه، محمد، ۱۳۵۸-
انقلاب جنسی و نهضت خودمهارگری در غرب / محمد زارعی توپخانه، حدیث چراغیان. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۱۳۹۸.
هشت، ۲۶۴ ص.: جدول — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۱۵: روان‌شناسی؛ ۴۹)
بها: ۳۰۰۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-288-9
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۳۱]_۲۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. امور جنسی -- تاریخ. ۲. History -- Sex (Psychology). ۳. خویشتن‌داری -- تاریخ. ۴. Self-control -- History.
۵. تقوای جنسی. ۶. Sexual abstinence. ۷. خویشتن‌داری. ۸. Self-control. ۹. زناشویی. ۱۰. Marriage.
الف. چراغیان، حدیث، ۱۳۵۸- ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج. عنوان.
BF۶۹۲
۱۵۵/۳
شماره کتابشناسی ملی
۵۸۶۶۹۵۰



انقلاب جنسی و نهضت خودمهارگری در غرب

مؤلفان: محمد زارعی توپخانه و حدیث چراغیان

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نامبر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان دوره‌های روان‌شناسی و مشاوره خانواده، به‌ویژه در درس «دانش خانواده و جمعیت» در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌شود که واجد پژوهش‌های ارزنده‌ای برای آنهاست.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر حجت‌الاسلام محمد زارعی توپخانه و خانم حدیث چراغیان و نیز از ناظران محترم طرح، آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد و دکتر مسعود جان‌بزرگی و ارزیابان گرامی، حجت‌الاسلام دکتر حسین بستان و دکتر خدابخش احمدی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: تاریخچه جنسی	۱۱
آداب و سنن	۱۱
الف) نگرش‌های سنتی	۱۲
ب) ساختار خانواده	۱۴
ج) کارکرد خانواده	۱۶
ادیان و مذاهب	۱۸
الف) مسیحیت کاتولیک	۱۹
۱. روابط جنسی، قرارهای دوستانه و هم‌خانگی	۱۹
۲. همجنس‌گرایی	۲۰
۳. ازدواج و روابط جنسی	۲۱
۴. فرزندآوری	۲۴
ب) مسیحیت پروتستان	۲۶
۱. روابط جنسی، قرارهای دوستانه و هم‌خانگی	۲۶
۲. ازدواج و روابط جنسی	۲۸
۳. فرزندآوری	۳۰
ج) یهودیت	۳۱
۱. روابط جنسی، قرارهای دوستانه و هم‌خانگی	۳۲
۲. ازدواج و روابط جنسی	۳۴
۳. فرزندآوری	۳۵
فصل دوم: انقلاب جنسی	۳۹
عوامل و زمینه‌های انقلاب جنسی	۴۳

۴۴	الف) طبیعت‌گرایی و حقوق‌طلبی.....
۴۷	ب) ضعف باورهای مذهبی.....
۴۹	ج) نظریه‌پردازان جنسی.....
۵۰	د) پورنوگرافی.....
۵۲	۱. رسانه.....
۵۴	۲. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی.....
۵۶	۳. تبلیغات تجاری.....
۵۷	هـ) جنبش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی.....
۵۸	۱. جنبش لغو.....
۵۹	۲. جنبش فمینیستی.....
۵۹	۱. موج اول فمینیسم.....
۶۰	۲. موج دوم فمینیسم.....
۶۲	۳. جنبش حقوق همجنس‌گرایی.....
۶۴	۴. جنبش حقوق مدنی.....
۶۵	۵. جنبش دانشجویی.....
۶۶	و) فرهنگ برهنگی.....
۶۷	ز) موسیقی.....
۶۸	ح) روابط عاشقانه.....
۶۹	پیامدهای انقلاب جنسی.....
۷۲	همبستگی با دیگر آسیب‌های اجتماعی.....
۷۵	روابط عاشقانه و قرارهای دوستانه.....
۷۵	الف) روابط جنسی در قرارهای دوستانه.....
۷۹	ب) سوءاستفاده در قرارهای دوستانه.....
۸۲	اقتصاد جنسی.....
۸۷	فصل سوم: نهضت خودمهارگری جنسی
۸۷	روابط ایمن.....
۹۰	خودمهارگری جنسی و ضرورت آن.....
۹۲	خودمهارگری و جنبش طرفدار خانواده.....
۹۴	خودمهارگری، خانواده و فعالیت‌های اخیر فمینیست.....
۹۶	گرایش والدین و نوجوانان به خودمهارگری جنسی.....
۹۸	مزایای خودمهارگری جنسی.....
۹۸	الف) مزایای جسمانی خودمهارگری.....
۹۹	۱. بارداری نوجوان.....
۱۰۱	۲. عفونت‌های جنسی.....

۱۰۴ ۳. خودکشی
۱۰۵ ب) مزایای روانی خودمهارگری
۱۱۷ ۱. تبیین زیستی
۱۲۳ ۲. تبیین روان‌شناختی
۱۲۶ ج) مزایای خانوادگی خودمهارگری
۱۲۹ د) مزایای تحصیلی و مالی خودمهارگری
۱۳۰ ۱. سرمایه‌گذاری آموزشی و عملکرد تحصیلی
۱۳۴ ۲. ترک تحصیل و بزهکاری
۱۳۶ ۳. بارداری و مشکلات اقتصادی
۱۳۷ عوامل مؤثر بر خودمهارگری جنسی
۱۳۹ الف) دین و معنویت
۱۴۰ ب) ویژگی‌های شخصیتی
۱۴۴ ج) سلامت فردی
۱۴۵ د) خانواده
۱۴۷ ه) اجتماع
۱۴۹ و) فرهنگ سیاسی
۱۵۱ ز) آگاهی فردی

۱۵۳ فصل چهارم: آموزش خودمهارگری جنسی
۱۵۵ تاریخچه برنامه‌های خودمهارگری جنسی
۱۶۳ تغییرات جمعیت‌شناختی و آموزش خودمهارگری
۱۶۴ مسائل اخلاقی و حقوق بشر
۱۶۷ برنامه‌های خودمهارگری
۱۷۰ نتایج آموزش خودمهارگری
۱۷۷ مذهب و اثربخشی آموزش خودمهارگری
۱۸۰ آموزش خودمهارگری جنسی یا آموزش جامع جنسی
۱۸۴ موانع آموزش‌های خودمهارگری جنسی

۱۸۹ فصل پنجم: ازدواج، الگوی رابطه سالم
۱۹۰ ازدواج زود هنگام
۱۹۲ ازدواج زود هنگام و ثبات خانواده
۱۹۵ تأخیر ازدواج
۱۹۶ الف) تعارض بین تأهل و مجرد
۱۹۸ ب) دلایل افزایش سن ازدواج
۱۹۹ ۱. مشکلات اقتصادی

۲۰۱	۲. گرایش به هم‌خانگی
۲۰۱	۳. نیاز به صرف وقت و انرژی
۲۰۱	۴. تغییر نگرش
۲۰۳	۵. نیاز به کسب خودآگاهی
۲۰۳	۶. پرهیز از وابستگی
۲۰۴	۷. اجتناب از فرزندآوری
۲۰۵	۸. محدودیت روابط اجتماعی
۲۰۵	۹. مقاومت والدین
۲۰۶	۱۰. ناهمخوانی جنسی
۲۰۷	۱۱. بی‌اعتمادی به ازدواج
۲۰۹	۱۲. مشکلات جسمانی
۲۰۹	ج) مشکلات ازدواج دیر هنگام
۲۱۱	ویژگی‌های روابط سالم
۲۱۳	ازدواج باثبات و خانواده
۲۱۳	هم‌خانگی، بی‌ثباتی ازدواج و خیانت
۲۱۹	رابطه بین عفاف و دوشیزگی با ثبات ازدواج در بزرگسالان
۲۲۱	ازدواج و بهزیستی
۲۲۷	پیوند زناشویی و کنش‌وری زیستی
۲۳۱	منابع
۲۶۱	نمایه اصطلاحات

مقدمه

تاریخ بشر همواره شاهد تغییرات گوناگونی در آداب، سنن و فرهنگ جوامع مختلف بوده است. این تغییرات در پاره‌ای از اوقات به صورت بنیادین و با سرعت سرسام‌آوری رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که به سرعت، افکار، احساس و رفتارهای افراد جامعه را دستخوش تغییرات شگرفی می‌نماید و به صورت انقلاب اجتماعی بسیاری از مناسبت‌های پیشین را متحول می‌کند. یکی از این تحولات بنیادین در مغرب زمین، انقلاب جنسی اواخر قرن بیستم است که با تغییرات سریع در افکار، هیجانات و رفتار جنسی افراد جامعه همراه بوده است. انقلاب جنسی در رفتار، آداب، رسوم جنسی، زندگی عمومی و نهادهای اجتماعی تأثیرات زیادی بر جای گذاشته است. این دگرگونی، کنش‌های جنسی، ازدواج، سبک‌های عشق ورزیدن، فرزندپروری، همسررداری و طلاق را تحت تأثیر خود قرار داد. افزایش ازدواج‌های آزاد، شرکای جنسی چندگانه، تشکل‌های جمعی، باشگاه‌های تجاری جنسی، همجنس‌گرایی و از بین رفتن نقش‌های جنسی و جنسیتی از پیامدهای این پدیده بود. انقلاب جنسی تغییرات شگرفی در نگرش به مسائل جنسی نیز در غرب به وجود آورد. تقبیح سرکوب جنسی^۱ و تأکید بر حقوق جنسی و آزادی جنسی افراد زمینه انقلاب جنسی را فراهم آورد. توسعه تحقیقات در مورد مسائل جنسی مانند پژوهش‌های کینسی^۲، مطالعات مستر و جانسون^۳، کشف تکنولوژی‌های گوناگون کنترل زاد و ولد، گسترش رفتارهای جنسی جوانان که در بین گذشتگان سابقه نداشت، مقابله با آداب و فرهنگ و رسوم، شیوه‌های ابراز فانتزی‌های جنسی در مجلات، کتاب‌ها، روزنامه‌ها، پورنوگرافی و فیلم‌ها و استفاده از مواد جنسی در کالاها و تبلیغات، همه این موارد به گسترش انقلاب

1. sexual repression

2. Kinsey

3. Masters & Johnson

جنسی کمک کرد. تأکید برخی از صاحب‌نظران بر طبیعی و مطلوب بودن آزادی جنسی و اجتناب از سرکوب‌گری جنسی به افزایش رفتارها و قواعد جدید جنسی تبدیل شد. بسیاری از نظریه‌پردازان مانند میشل فوکو (نظریه‌پرداز و مورخ فرانسوی) نیز در کتاب تاریخچه جنسیت^۱ به واکاوی تاریخی مسائل جنسی پرداخت و سرکوب جنسی را مورد توجه و نقد قرار داد (اسکوفیر، ۲۰۰۳).

سرعت سرسام‌آور تحولات جنسی، گسترش سریع آزادی‌ها و رفتارهای جنسی را در میان جوانان به دنبال داشت. محققان مؤسسه گاتماچر،^۳ در سال ۲۰۰۶ گزارشی درباره روابط جنسی پیش از ازدواج منتشر کردند که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. حدود ۹۵ درصد از مردم ایالات متحده آمریکا پیش از اینکه ازدواج کنند، به‌گونه‌ای رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند. امروزه برخی از کارشناسان از تعبیر روابط جنسی پیش از ازدواج استفاده نمی‌کنند؛ به علت آنکه این مفهوم تغییر یافته است. از لحاظ تاریخی این مفهوم برای دختران و پسرانی به کار می‌رود که با هم رابطه داشته‌اند و این رابطه به ازدواج منتهی می‌شود و سکس با ازدواج معنا می‌یابد؛ اما بیشتر روابط جنسی در بین جوانان معاصر دیگر به ازدواج نمی‌انجامد و سهم بسیاری از جوانان آمریکایی ازدواج نیست و رابطه جنسی پیش از ازدواج نسبت خود را با ازدواج از دست داده است. امروزه سن ازدواج بالا رفته و به حدود ۲۶ تا ۲۸ سال رسیده است و شاید فرد تا این زمان بارها و بارها رابطه جنسی را تجربه کرده باشد. همگام با تغییر و تحولات تاریخی و افزایش فعالیت‌های جنسی نوجوانان و جوانان، تعداد شرکای جنسی جوانان آمریکایی نیز افزایش یافته است. براساس پژوهش انجام گرفته، ۷۰ درصد از مردان و ۱۲ درصد از زنان قبل از ازدواج، برقراری رابطه جنسی با بیش از یک شریک را گزارش کرده‌اند. پژوهش دیگری نشان داد که حدود ۲۵ درصد افراد ۵-۱۰ شریک جنسی را تجربه کرده‌اند. ۱۵ درصد مردان و ۱۰ درصد زنان عنوان کردند که با بیش از ۱۰ نفر رابطه جنسی داشته‌اند. البته زمانی که تنها شرکای جنسی همزمان را در نظر بگیریم، آمارها کمتر خواهد شد؛ به همین ترتیب، ۶۳ درصد مردان و ۷۲ درصد زنان بیش از یک شریک را گزارش نداده‌اند. با این حال، در زمینه داشتن بیش از یک شریک، مردان تعداد شرکای بیشتری را نسبت به زنان گزارش داده‌اند و بیشتر وارد روابط چندگانه می‌شوند (رگنروس و یوکر، ۲۰۱۱).

1. *History of Sexuality*

3. Guttmacher Institute

2. Escoffier, E.

4. Regnerus & Uecker

اکنون، با گذشت چند دهه از انقلاب جنسی، آثار و پیامدهای آن روز به روز نمایان تر می شود. نوجوانان و جوانان با زنجیره‌ای از چالش‌ها روبه‌رو هستند که نسل پیشین هرگز با آن مواجه نشده‌اند. مشکل نوجوانان در پنجاه سال قبل، تنها در تعدادی از بیماری‌های مقاربتی (STIs) خلاصه می شد؛ اما امروزه نوجوانانی که درگیر رابطه جنسی می شوند، با مجموعه‌ای از آسیب‌های جسمانی، روانی، خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو هستند. در این برهه، سن نخستین ازدواج به طور متوسط، ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر شده، هم‌خانه شدن افزایش ۶/۵ برابری داشته است و داشتن روابط پیش از ازدواج، امری طبیعی ارزیابی می شود و رفتاری دور از انتظار به شمار نمی آید. به جز این موارد، ترکیبی از مجموعه فیلم‌های ۲۴ ساعته رسانه‌ای همراه با صنعت پورنوگرافی اینترنتی با صرف میلیاردها دلار هزینه، حضور لباس‌های زنانه و ویکتوریا در تمامی مراکز خرید و فیلم‌های دارای پیام‌های سراسر جنسی هالیوودی، سبب شده است تا فرهنگ داشتن رابطه با جنس مخالف برای نوجوانان امری طبیعی و مورد پذیرش تلقی شود (مؤسسه رشد جوان، ۲۰۱۰).

مؤسسه رشد جوان (IYD)^۱ (۲۰۱۰) یکی از ده‌ها سازمان غیرانتفاعی و بی‌طرفی است که رسالت جامعی را به منظور پیشگیری از پنج رفتار پرخطر در میان جوانان ایالات متحده و سراسر جهان برعهده دارد. رفتارهایی که به شکل جدایی‌ناپذیری با یکدیگر مرتبط هستند، عبارتند از: مصرف الکل،^۲ استعمال مواد مخدر،^۳ رابطه جنسی،^۴ استعمال دخانیات^۵ و خشونت.^۶ این مؤسسه معتقد است که اگر نوجوانان و جوانان آگاهی‌های منسجم و قابل اطمینانی در اختیار داشته باشند، می‌توانند تصمیمات مناسبی در جهت دوری از این رفتارهای پرخطر اتخاذ کنند؛ به‌ویژه آنکه به وسیله والدینی توانمند و روابط خانوادگی مناسب مورد حمایت قرار گیرند. امروزه مؤسسات متعددی در ایالات متحده آمریکا در جهت حمایت از خودمهارگری جنسی نوجوانان و جوانان شکل گرفته است. این مراکز درصدد کمک به نوجوانان و جوانان در برقراری ارتباط با بهترین پیام‌هایی است که پژوهش‌ها ارائه می‌دهند و بر حوزه رشد جنسی و تأثیر خودمهارگری جنسی و عفاف بر سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و اقتصادی نوجوانان و جوانان آمریکایی تمرکز دارند. مؤسسات مذکور مجموعه پژوهش‌هایی شامل اطلاعات پزشکی و علمی و مزایای

1. The Institute for Youth Development

3. Drugs

5. Tobacco

2. Alcohol

4. Sex

6. Violence

پرهیزگاری، مدیریت هیجان جنسی و به تعویق انداختن رابطه جنسی تا فراهم شدن رابطه‌ای مشروع و تأثیر آن بر احساس خوشبختی در آینده را ارائه می‌دهند.

بررسی تاریخچه روابط جنسی زن و مرد در غرب مراحل و ادوار پرفراز و نشیبی را سپری کرده است؛ اما با مطالعه سیر تاریخ جنسی در غرب و با نگاهی گذرا و اجمالی به تحولات صورت گرفته، ما را به چهار مرحله اساسی رهنمون می‌نماید:

مرحله اول؛ مرحله سنتی، مذهبی و اخلاقی: مرحله نخست روابط پیش از ازدواج در غرب را باید مرحله پایبندی به حدود و مرزهای سنتی، مذهبی و اخلاقی نامید. این مرحله تا اوایل قرن بیستم در غرب استمرار داشت. پیش از دهه اول قرن بیستم، روابط با جنس مخالف در چارچوب ازدواج شکل می‌گرفت؛ دختر و پسر برای ازدواج همدیگر را می‌دیدند و چند جلسه با هم صحبت می‌کردند و والدین در ازدواج فرزندان نقش پررنگی بازی می‌کردند (کب،^۱ ۲۰۰۱). روابط براساس فرهنگ و سنت شکل می‌گرفت و نخستین ارتباط در چارچوب ازدواج انجام می‌پذیرفت (رگنروس و یوکر، ۲۰۱۱). هاردینگ و جانکس^۲ (۲۰۰۳) در این باره می‌نویسند: در سال ۱۹۶۹ بیش از ۷۵ درصد از آمریکاییان اعتقاد داشتند که رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری زشت و مذموم است. دوشیزگی^۳ پیش از ازدواج از لحاظ تاریخی ارزشمند بوده است و افرادی که به روابط خارج از چارچوب ازدواج تن می‌دادند، هم از نظر اجتماعی مطرود می‌شدند و هم ارزیابی شخصی نامناسبی در مورد خود داشتند (گسلمن، وبستر و گارسیا،^۴ ۲۰۱۷)؛

مرحله دوم انقلاب جنسی: پس از جنگ جهانی دوم و از اواسط قرن بیستم گرایش به آزادی جنسی رو به فزونی گذاشت. برخی از پژوهشگران معتقدند، از سال ۱۹۷۰، مرحله دوم روابط پیش از ازدواج در غرب شکل گرفت. نگرش سهل‌گیرانه نسبت به روابط قبل از ازدواج صورت پذیرفت و الگوهای ارتباطی تغییر یافت (الیاس^۵ و همکاران، ۲۰۱۳). بسیاری از صاحب‌نظران، تغییرات رخ داده در دهه ۶۰ و ۷۰ تا دهه ۸۰ را به انقلاب جنسی^۶ تعبیر می‌کنند. انقلاب جنسی دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به‌عنوان دوره آزادی جنسی از آن یاد می‌شود. این دوره با ردّ نقش‌های جنسیتی سنتی شناخته شد و آن یک جنبش اجتماعی بود که هنجارهای

1. Cobb

2. Harding & Jencks

3. Virginity

4. Gesselman, A. N.; Webster, G. D. & Garcia. J. R.

5. Elias.

6. Sexual Revolution

جنسی گذشته را به چالش کشید. نگارش مطالب در زمینه روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، همجنس‌گرایی^۱ و آزادی جنسی گسترش یافت. در سال ۱۹۶۵ و سال‌های پس از آن تلاش‌های فراوانی به عمل آمد تا نشان دهند رابطه جنسی آزاد بدون زایمان امری طبیعی و مناسب است. در سال ۱۹۷۲ استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری برای افراد مجرد قانونی شد. در سال ۱۹۷۳ زمینه قانونی شدن سقط جنین^۲ فراهم شد و کتاب‌ها و نوشته‌های زیادی به عادی جلوه دادن و توجیه سقط جنین و از بین بردن احساس گناه افراد برای سقط جنین اختصاص یافت. در همین سال همجنس‌گرایی به‌عنوان یک اختلال از راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM)^۳ حذف شد (کروکس و باور،^۴ ۲۰۱۱) با وجود اینکه همجنس‌گرایی در چاپ‌های قبلی DSM یک اختلال روانی به‌شمار می‌آمد، تحت تأثیر فشارهای سیاسی از فهرست اختلالات روانی حذف شد (لاوز، او دونوهو،^۵ ۲۰۰۸). به‌طور کلی از اواخر قرن ۱۹ تا اواسط قرن ۲۰، گسترش مفهوم «عشق آزاد»^۶ زمینه‌ای برای آزادی جنسی در جوامع غربی شد و «هویت همجنس‌گرایانه»^۷ امری پذیرفتنی جلوه داده شد. در این راه بسیاری از طرفداران آن تلاش کردند این پدیده را در بین آحاد جامعه امری عادی جلوه دهند؛ برای نمونه، الیس^۸ بر این باور بود که همجنس‌گرایی بی‌ضررتر است از آنچه مردم تصور می‌کنند (چیانگ،^۹ ۲۰۱۰).

تحولات جنسی با تغییرات نگرشی عمومی در روابط جنسی همراه بود. با وجود اینکه بیش از ۷۵ درصد از آمریکاییان، در سال ۱۹۶۹ اعتقاد داشتند که رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری زشت و مذموم است؛ در دهه ۱۹۸۰ تنها ۳۳ درصد از آمریکاییان معتقد بودند که رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری زشت و مذموم است و نگرش آنها تغییر فاحشی را نشان داد (هاردینگ و جانکس، ۲۰۰۳). تغییرات اجتماعی در ایالات متحده آمریکا، روابط جنسی و از دست دادن دوشیزگی در بین جوانان را طبیعی ساخت (گسلمن، وبستر و گارسیا،^{۱۰} ۲۰۱۷). با گذشت

1. Heterosexual

2. Abortion

3. the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

4. Crooks, R. & Baur, K.

5. Laws, D. R. & O Donohue, W. T.

6. free love

7. homosexual identity

8. Ellis

9. Chiang, H. H.

10. Gesselman, A. N., Webster, G. D. & Garcia, J. R.

زمان، روابط پیش از ازدواج در فرهنگ غرب نه تنها بد ارزیابی نشد، بلکه قابل قبول و طبیعی قلمداد گردید (الهاگ،^۱ ۲۰۰۹). بسیاری از روابط جنسی پیش از ازدواج ابتدا با انگیزه دوستی شروع و رفته رفته به روابط جنسی کشیده شد. رگنروس و یوکر (۲۰۱۱) و وانگ و هسو^۲ (۲۰۰۶) دریافتند که این گونه روابط به طور تصادفی اتفاق نمی افتند، بلکه معمولاً با دوستان غیرهمجنسی اتفاق می افتد که دوستی را به منظور آرامش و صمیمیت و آشنایی بنا گذاشته بودند. بسیاری از جوانان نیز به منظور آزمودن طرف مقابل و به انگیزه ازدواج وارد روابط جنسی می شدند. براساس این دیدگاه، دختر و پسر باید یکدیگر را تجربه کنند، آنان باید دوست دختر یا پسر داشته باشند تا ویژگی های شخصیتی، جسمانی یکدیگر را بررسی کنند تا در آینده زندگی موفق داشته باشند و شریک خوبی برای زندگی خود برگزینند (پولمن،^۳ ۲۰۱۶). یافته های مؤسسه رشد جوان^۴ (۲۰۱۰) نشان داد که در روابط عاشقانه پیش از ازدواج سرمایه گذاری عاطفی اتفاق می افتد و کشیده شدن به روابط جنسی، به ویژه برای دختران می تواند راهی برای جستجوی عشق باشد. درگیر شدن در روابط عشقی و جنسی می تواند به یک چرخه معیوب و آسیبزا تبدیل شود و آسیب های گوناگونی را در پی داشته باشد. روابط پیش از ازدواج، آثار مخربی بر سلامت جسمانی نوجوانان دارد و به طور معمول دختران بیش از پسران آسیب می بینند. اگرچه مردان جوان درگیر فعالیت های جنسی، در معرض خطر ابتلا به بیماری های مقاربتی (STIs) هستند؛ با وجود این، زنان (به ویژه دختران جوان) به سبب وضعیت بیولوژیکی جسمانی نسبت به این بیماری ها آسیب پذیرترند. در چنین روابطی، دختران بیش از پسران مورد سوء استفاده جسمانی قرار می گیرند و پژوهش ها نشان می دهد وقتی دختران نوجوان شریک جنسی بیشتری دارند، احتمال ابتلا به بیماری های مقاربتی (STIs) در میان آنها بیشتر است. اساساً دختران استفاده از وسایل پیشگیری را به اندازه پسران گزارش نمی کنند. در سنین نوجوانی، مغز دختر و پسر برای استدلال و درک موقعیت، به اندازه کافی رشد نکرده است تا بتواند از وسایل پیشگیری به خاطر آینده شان استفاده کند. تعدادی از پیامدهای جسمانی روابط پیش از ازدواج می تواند در سلامت روانی آنان نیز اثرگذار باشد. هرگاه دختر نوجوانی درگیر بارداری ناخواسته می شود بیش از یک پسر نوجوان هزینه می پردازد، زیرا اغلب تنها گذاشته

1. Elhage

2. Wang & Hsu

3. Pullmann, J.

4. The Institute for Youth Development

می‌شود و در صورتی که دارای فرزند شود، باید به تنهایی فرزندش را بزرگ کند. دختران پس از باردار شدن از سوی دوست پسر خود رانده می‌شوند و با در نظر گرفتن این مطلب که باید به تنهایی کودکش را بزرگ کنند، به احتمال زیاد افسردگی را تجربه می‌کنند؛ همچنین، زنان در روابط عاشقانه‌شان، سرمایه‌گذاری عاطفی بیشتری می‌کنند که می‌تواند موجب شود در مسیر جستجوی عشق، وارد رابطه جنسی شوند و در نهایت، به ایجاد چرخه آسیب‌زای اجبار یا تکرار می‌انجامد. از سوی دیگر، پسران هم معمولاً علائم روانی را زمانی از خود بروز می‌دهند که فعالیت جنسی‌شان با دیگر رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و مشروب خوردن ترکیب شود. در این صورت، ممکن است هر دو جنس (به‌ویژه در سنین پایین) به خودکشی نیز فکر کنند؛ بنابراین، با گسترش آزادی جنسی، آسیب‌های گوناگون جسمانی، روانی، خانوادگی و اجتماعی آن روز به روز بیشتر نمایان می‌شود (رکتور^۱ و همکاران، ۲۰۰۳ الف، ب؛ وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ رگنروس و یوکر، ۲۰۱۱)؛

مرحله سوم روابط ایمن: با مشاهده عوارض گوناگون آزادی جنسی در غرب، مرحله سوم سیر روابط پیش از ازدواج در غرب شکل گرفت و در حالی که انقلاب جنسی در حال گسترش بود، جبهه قدرتمندی به رهبری مذهب شکل گرفت که یکی از اهداف آن متوقف کردن انقلاب جنسی بود. سازمان‌ها و مؤسسات جدیدی شکل گرفت و قوانینی برای افراط‌گرایی جنسی تصویب شد که برخی از صاحب‌نظران آن را «جنگ فرهنگی»^۳ نامیدند و ضد حمله‌ای به انقلاب جنسی بود. انقلاب جنسی با موانع دیگری نیز روبه‌رو شد؛ از دهه ۱۹۷۰ بیماری‌های مقاربتی^۴ (STD) رو به فزونی گذاشت و کشف بیماری ایدز (HIV) در میان مردان همجنس‌باز در اوایل دهه ۱۹۸۰ بحران گسترده‌ای را در میان همجنس‌گرایان به راه انداخت. پژوهشگران عرصه پزشکی و رهبران جنبش همجنس‌گرایی را به تکاپو وادار کرد تا برای این مشکل راه‌حلی را پیدا کنند که نهایتاً با طرح سکس ایمن^۵ و با پی‌ریزی قوانین مربوطه، افراد را به برقراری رابطه جنسی همراه با وسایل پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی و بارداری ترغیب کردند (اسکوفیر،^۶ ۲۰۰۳). بر این اساس، برنامه آموزش روابط ایمن پیش از ازدواج در دستور کار قرار گرفت و

1. Rector

3. the culture wars

5. safer sex

2. Wang

4. sexually transmitted diseases

6. Escoffier, E.

آموزش روابط جنسی سالم بیش از سه دهه در ایالات متحده به کار گرفته شد و در بیشتر سیستم‌های مدارس سراسر کشور آموزش داده شد. با وجود این، تعدادی از بیماری‌های مقاربتی به‌طور چشمگیری افزایش یافت (الهگ، ۲۰۰۹؛ مؤسسه رشد جوان، ۲۰۱۰). اگرچه آموزش شیوه‌های ارتباط جنسی ایمن تا اندازه‌ای برای مراقبت‌های بهداشتی مفید بود؛ اما دیگر عوارض جسمانی، روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی روابط پیش از ازدواج را از بین نبرد (اپونته^۱ و همکاران، ۲۰۱۲)؛

مرحله چهارم نهضت خودمهارگری: با گسترش جبهه قدرتمند به رهبری مذهب که یکی از اهداف آن متوقف کردن انقلاب جنسی بود و براساس پژوهش‌هایی که به‌طور روز افزون عوارض روابط آزاد را نمایان می‌کرد (اسکوفیر، ۲۰۰۳)، مرحله چهارم در غرب شکل گرفت که خودمهارگری جنسی را در دستور کار خود قرار داد. برنامه جدیدی با عنوان خودمهارگری جنسی تا زمان ازدواج (AUM)^۲ مطرح شد. خودمهارگری جنسی تنها روش پیشگیری ۱۰۰ درصد بی‌خطر و مطمئن معرفی شد (اپونته و همکاران، ۲۰۱۲؛ زیلر، ۲۰۱۴^۳). نتایج آموزش‌های پنج ساله بازداری جنسی و ارائه مهارت‌های لازم در مدارس لوئیزیانای مرکزی نشان می‌دهد که تنها راه مطمئن برای جلوگیری از آسیب‌های روابط پیش از ازدواج و از جمله بارداری «خودمهارگری جنسی» است (یو و همکاران، ۲۰۰۴). با ارائه این برنامه، استقبال گسترده‌ای از طرف خانواده‌های ایالات متحده جهت آموزش خودمهارگری جنسی پیش از ازدواج به عمل آمد. بیش از ۹۰ درصد والدین خواهان آموزش نوجوانان جهت امتناع از روابط جنسی دست‌کم تا پایان دبیرستان شدند. حدود ۸۴ درصد از والدین خواهان آموزش قوی نوجوانان جهت خودداری از روابط جنسی تا زمان ازدواج شدند. بیش از ۹۰ درصد از نوجوانان هم تمایل خود را جهت شرکت در دوره‌های آموزشی برای خودمهارگری جنسی دست‌کم تا پایان دبیرستان نشان دادند (رکتور و همکاران، ۲۰۰۵؛ مؤسسه رشد جوان، ۲۰۱۰). بنابراین برنامه خودمهارگری جنسی تا پیش از ازدواج (AUM) در مدارس مختلف ایالات متحده، به‌ویژه ایالت کارولینای شمالی به اجرا در آمد (الهگ، ۲۰۰۹). این برنامه معتقد است «راه ارضای جنسی نوجوانان در دنیای سراسر فرهنگ جنسی ازدواج است» و «نوجوانان توانایی به تعویق انداختن فعالیت‌های جنسی را دارند»

1. Aponte

2. Abstinence-until-marriage

3. Zeiler, A.

و مهم‌تر اینکه «آنها ارزشمند می‌شوند؛ اگر صبر کنند» (الهگ، ۲۰۰۹). بر این اساس، بودجه‌های ایالتی برای آموزش پرهیزگاری و عفاف تخصیص داده شد و این بودجه‌ها روز به روز افزایش یافت. این امر بیشتر به دلیل رشد تعداد متخصصان علوم پزشکی، سازمان‌های سلامت عمومی، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مربیان، معلمان، والدین و نوجوانانی است که دریافتند داشتن رابطه جنسی در سنین مناسب و هنگام ازدواج، بالاترین سطح سلامت اجتماعی، مالی، روانی و جسمانی را به دنبال دارد (مؤسسه رشد جوان، ۲۰۱۰). برنامه‌های خودمهارگری معتقدند اگر جوانان تا زمان ازدواج صبر پیشه کنند، از این خطرات در امان می‌مانند و از مزایای روانی، جسمانی، خانوادگی، اجتماعی و مالی خویشتن‌داری و عفاف هم بهره‌مند می‌شوند.

پژوهش‌ها مزایای پرهیزگاری و عفاف نوجوانان را نشان داده‌اند و متولیان برنامه‌های خودمهارگری معتقدند به منظور استقبال نوجوانان از پیام‌های تأخیر رابطه جنسی، چنین مفاهیمی باید به گونه‌ای مؤثر مطرح و بیشتر به صورت برنامه‌های آموزش عمومی ارائه شود. تحقیقات نشان می‌دهد که والدین تمایل دارند پیام‌های خویشتن‌داری و عفاف به فرزندانشان ارائه گردد، با وجود این، فرهنگ آمریکایی به سادگی این ارزش را بر نمی‌تابد و درک دلایل خویشتن‌داری را برای نوجوانان دشوار کرده است؛ در نتیجه، راهکارهای آموزشی باید بر نتایج ارزشمند ناشی از مزایای پرهیزگاری و عفاف متمرکز شود.

یکی از بهترین مزایای اجتماعی خویشتن‌داری و عفاف، پدیدار شدن روابط سالم است. هنگامی که نوجوانی پرهیزگاری و عفت‌ورزی را برمی‌گزیند و از روابط پیش از ازدواج اجتناب می‌کند، سبب خواهد شد کمتر به هم‌خانگی روی آورد. ازدواج مناسب، خوشبختی را برای زوجین (به‌ویژه مردان) به ارمغان می‌آورد و محیط پرورشی سالمی برای فرزندان فراهم می‌کند. دیگر مزیت اجتماعی خویشتن‌داری و عفاف، افزایش ثبات مالی است. وقتی نوجوانی خویشتن‌داری پیشه کند، می‌تواند تمرکزش را به تحصیل و شغل آینده معطوف دارد و دیگر لازم نیست پول و وقتش را صرف نیازهای خانواده کند. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند زمانی که نوجوانان خویشتن‌داری می‌کنند و عفت پیشه می‌ورزند، نشانگان و مشکلات رفتاری کمتری از خود بروز می‌دهند که شامل عملکرد ضعیف تحصیلی، مصرف مواد مخدر و دیگر رفتارهای پرخطر می‌شود. خویشتن‌داری و عفاف را می‌توان بهترین عامل بازدارنده حفاظتی برای نوجوانان تعریف کرد که آنها را نسبت به مجموعه‌ای از رفتارهای پرخطر برای آینده‌شان بیمه

می‌کند. اگرچه داده‌ها برای هر پیامدی به‌طور مستقل روشن نشده است؛ با وجود این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد پرهیزگاری و به تأخیر انداختن روابط جنسی زودهنگام، تأثیر شگرفی بر روی سلامت جسمانی، روانی، مالی و اجتماعی نوجوانان و جوانان بر جای می‌گذارد. والدین و سیاستگذاران می‌بایست همگام با یکدیگر به تشویق خودمهارگری تا زمان ازدواج و عفت‌ورزی به‌عنوان مهم‌ترین پیام در آموزش‌های جنسی ادامه دهند و براساس اطلاعات موجود، راهکارهای مناسب را توسعه بخشند و در ضمن با انجام تحقیقات جدید، اطلاعات بیشتری در مورد سلامت جنسی نوجوانان به دست آورند (مؤسسه رشد جوان، ۲۰۱۰). امروزه برنامه‌های آموزش یا فراگیر خودمهارگری جنسی همراه با روابط ایمن که با عنوان برنامه جامع جنسی از آن یاد می‌شود؛ به‌طور فزاینده‌ای، در غرب ترویج می‌شود که در هر دو صورت آموزش خودمهارگری جنسی به‌عنوان یک پایه اساسی مدیریت روابط جنسی مورد توجه است که در فصل سوم و چهارم مفصل‌تر به آن پرداخته می‌شود.

این کتاب نخست با تاریخچه مسائل جنسی در غرب آغاز می‌شود؛ نگرش‌ها و رفتارهای جنسی سنتی در چارچوب خانواده و خارج از ازدواج را توضیح می‌دهد؛ در ادامه، شکل‌گیری انقلاب جنسی، عوامل و زمینه‌های آن را بررسی می‌کند؛ آسیب‌ها و پیامدهای انقلاب جنسی را برمی‌شمارد و گرایش متخصصان، پژوهشگران، مربیان، سیاستمداران و عموم مردم به خودمهارگری جنسی و آموزش‌های آن را در قالب نهضت خودمهارگری جنسی بررسی می‌کند. در نهایت، قرارهای دوستانه، روابط جنسی و روابط چندگانه، هم‌خانگی‌ها را نقد و ازدواج را به‌عنوان پایدارترین الگو رابطه سالم معرفی می‌کند. این کتاب نتیجه ده سال تحقیق و بررسی نویسنده است که به صورت پژوهش محور و با رویکردی بیشتر توصیفی ارائه شده است.

در پایان لازم است از همکار گرامی سرکار خانم حدیث چراغیان که در ترجمه بخش‌هایی از فصول با اینجانب همکاری داشته‌اند و نیز از استادان بزرگوارم، آیت‌الله سیدمحمدغروی‌راد و دکتر مسعود جان‌بزرگی که نظرات و رهنمود ارزشمند ایشان بر غنای اثر افزود؛ کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم.

همچنین از ارزیابان محترم، آقایان دکتر خدابخش احمدی و حجت‌الاسلام دکتر حسین بستان که از نظرات آن عزیزان در این پژوهش بسیار استفاده کردم و از همه کسانی که در به ثمر رسیدن این کار با بنده همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

فصل اول

تاریخچه جنسی

آداب، فرهنگ و سنن در طول تاریخ در نگرش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای افراد جامعه نقش بی‌بدیلی ایفا کرده است. یکی از مسائل مهمی که تحت تأثیر فرهنگ، مذهب و سنن قرار گرفته، مسائل جنسی و امیال غریزی بوده است. اگرچه سنت‌ها و مذاهب درهم آمیخته هستند و تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند، اما بررسی تفصیلی سیر تحول آنها می‌تواند ما را به یافته‌های ارزشمندی رهنمون کند. سیر مطالعه تاریخی گویای این مطلب است که با وجود همه فراز و نشیب‌های تاریخی تا پیش از قرن بیستم، مرحله پایبندی به آداب، سنن و ارزش‌های مذهبی در غرب حاکم بود. روابط جنسی (در صورت جواز) در چارچوب ازدواج تحقق می‌یافت و رضای امیال جنسی با ازدواج بین دو غیرهمجنس صورت می‌پذیرفت. در بین همه فرهنگ‌ها و مذاهب، آداب و رسوم خاصی برای ازدواج حاکم بود و روابط جنسی همراه با خانواده عجین شده بود که اکنون به‌طور تفصیلی به آنها می‌پردازیم.

آداب و سنن

سنت‌های حاکم بر جوامع مختلف در اعصار گذشته، از عوامل تعیین‌کننده رفتارهای افراد به شمار می‌رود و کنش‌ها و نگرش‌های جنسی نیز از این امر جدا نیستند. مطالعه تاریخ موضوعات جنسی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را از آداب و رسوم اقوام و ملل گوناگون به ما ارائه کند.

الف) نگرش‌های سنتی

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مسائل جنسی با زندگی بشر عجین بوده است. جوامع مختلف متأثر از آداب و سنتی که از نیاکان خود به ارث برده‌اند، نگرش‌های متفاوتی درباره مسائل جنسی داشته‌اند. بسیاری از جوامع ارزش‌گذاری مثبتی برای تمایلات جنسی داشته‌اند تا جایی که در برخی جوامع آن را امری مقدس می‌دانسته‌اند و در برخی دیگر با نگرش منفی به غرائز جنسی می‌نگریسته و تا حد زیادی افراد از گفتگو و ابراز مسائل جنسی اجتناب کرده‌اند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که از دیرباز در همه جای دنیا، به‌ویژه در مغرب زمین، فرهنگ‌های گوناگون اسطوره‌های مختلفی را برای آمیزش جنسی داشته‌اند. اسطوره‌های مختلف در همه جوامع وجود داشته و به تجارب جنسی، پرسش‌های بنیادین در مورد مسائل جنسی و ارتباط آن با جهان، پاسخ می‌داده است؛ برای مثال اسطوره آفرودیت در اسطوره‌های یونان باستان به‌عنوان سمبل عشق، شور جنسی و زیبایی دانسته شده است (دنین،^۱ ۱۹۹۶). فلاسفه بزرگ نیز از دیرباز درباره مسائل جنسی و ماهیت امیال جنسی به بحث و تبادل نظر پرداخته و درصدد ارزش‌گذاری غرائز جنسی برآمده‌اند. اگرچه فلاسفه، در طول قرن‌های متمادی درباره غرائز و رفتارهای جنسی دیدگاه‌های متنوع داشته و نظریات گوناگونی ارائه کرده‌اند، اما در یک نگاه اجمالی می‌توان دیدگاه فلاسفه را نسبت به امیال جنسی به دو دسته خوشبین و بدبین تقسیم کرد. فلاسفه بدبین برانگیختگی جنسی و رفتارهای زناشویی را امری حیوانی برداشت کرده، در حد کرامت و شأنیت انسان نمی‌بینند. به باور آنها هنگامی که کسی نسبت به شخص دیگر تمایل جنسی پیدا می‌کند؛ برای کسب لذت، ارزش طرف مقابل خود را در حد یک شیء پایین می‌آورد. در تمایلات جنسی در واقع نسبت به بدن و جسم فرد مقابل تمایل وجود دارد و جسم فرد متمایز از خود شخص است. افزون بر این، پیش از شکل‌گیری رابطه جنسی، به‌طور مرسوم رفتارهای اغواگرانه و گمراه‌کننده تحقق می‌یابد و این‌گونه رفتارهای اغواکننده به اندازه‌ای رواج دارند که به نظر می‌آید بخش جدایی‌ناپذیری از تجربه جنسی می‌باشند؛ برای مثال ما خود را جذاب‌تر نشان می‌دهیم و خود را به‌گونه‌ای می‌آراییم که توجه طرف مقابل را به خود جلب کنیم و تلاش زیادی به عمل می‌آوریم تا نقص‌های خود را بپوشانیم. بر این اساس، باید کنش‌های جنسی را منفی ارزیابی کنیم. هنگام برانگیختگی جنسی ممکن است فرد کاری را انجام بدهد

1. Dening, S.

که حتی در شرایط طبیعی تصور نمی‌کرد چنین رفتاری از او سر بزند. همچنین، در هنگام آمیزش جنسی شخص خودکنترلی ندارد و حتی ممکن است رفتارهای آسیب‌زایی از او سر بزند یا تهدیدی برای طرف مقابل هم به شمار بیاید. نیاز به آمیزش و ارضای غریزه جنسی می‌تواند مشکلات دیگری را در پی داشته باشد؛ برای مثال شرایطی به وجود آید که فرد دیگران را تحت سلطه خود درآورد و از آنان سوء استفاده جنسی کند. بنابراین، آسیب امیال و غرائز جنسی بیش از منفعتی است که ممکن است برای آن تصور شود و از این‌رو، با نگرش منفی به آن نگریده می‌شود. در برابر آن، فلاسفه خوشبین آمیزش جنسی را مکانیزمی طبیعی می‌دانند که میان دو نفر برقرار می‌شود و رضایت طرفینی را به دنبال دارد. آمیزش جنسی کسب لذت طرفینی است که می‌تواند سبب ایجاد حس همدلی، قدردانی و محبت و نیز موجب عمق یافتن روابط زوجین شود. این دسته از فیلسوفان معتقدند آمیزش جنسی به خودی خود مسئله‌ای ارزشمند است، اگرچه اهداف دیگری برای آن در نظر گرفته نشود. غرائز جنسی همانند دیگر نیازهای انسانی مانند گرسنگی و تشنگی است که نیاز به ارضا دارد. اینکه افراد چگونه تحت تأثیر رابطه جنسی قرار می‌گیرند؛ به ماهیت ذاتی تمایلات جنسی ارتباطی ندارد بلکه به شخصیت، اخلاق و منش فرد بستگی دارد که چه واکنشی از خود بروز دهد. بر این اساس، تمایلات جنسی به خودی خود خوب یا بد نیستند، بلکه نوع ارضای آن ماهیت خوب یا بد به آن می‌دهد. شخصی که تمایلات جنسی نامناسب و خودخواهانه دارد، رابطه جنسی بدی را تجربه خواهد کرد و کسی که تمایلات غیرخودپرستانه و اخلاقی دارد، تجربه جنسی خوب خواهد داشت. اگرچه برخی از افراد ممکن است شریک جنسی خود را به‌عنوان شیئی نگاه کنند که پس از رابطه جنسی از ادامه ارتباط با آنان صرف‌نظر کنند، اما این ویژگی قطعی تمایلات جنسی نیست. آمیزش جنسی به صورت ذاتی اشخاص را تبدیل به شیئی نمی‌کند؛ برعکس آمیزش جنسی می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای در نظر گرفته شود که افراد به همدیگر از راه بدنشان پاسخ می‌دهند و نیازهای طبیعی همدیگر را با حفظ کرامت انسانی برآورده می‌نمایند. آمیزش جنسی سبب می‌شود افراد حضور در کنار هم بودن را تجربه نمایند و ارتباطی واقعی با طرف مقابلشان برقرار کنند (سوبل، ۲۰۰۲).

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد نگرش به مسائل و رفتارهای جنسی مانند هر پدیده دیگری راه پرفراز و نشیبی را سپری کرده است. در روزگارانی تمایلات جنسی امری طبیعی

قلمداد می‌شد و رفتارهای جنسی با حفظ شرایط فرهنگی، محیطی حساسیت خاصی را به وجود نمی‌آورد، اما در برخی از دوره‌ها، نگرش سخت‌گیرانه‌تری نسبت به مسائل جنسی وجود داشته است و موضوعات جنسی با حساسیت بیشتری دنبال می‌شد؛ برای نمونه صاحب‌نظران انتقادات فراوانی را نسبت به وضعیت فرهنگی حاکم بر فضای جامعه در دوران ویکتوریایی و فرهنگ حاکم بر آن عنوان کرده‌اند که عمده این انتقادات بر سخت‌گیری‌های نامتعارف در مورد مسائل جنسی و رفتارهای جنسی مطرح شده است. میشل فوکو (۱۹۹۰) که کتاب تاریخی جنسیت^۱ را در سه جلد به رشته تحریر در آورد؛ در فصل نخست این کتاب فرهنگ ویکتوریایی را به تصویر می‌کشد که نوعی سکوت بر اندیشه و رفتار جنسی حاکم بوده است. در آن فرهنگ گفتگو در مورد غریزه و رفتارهای جنسی در سطح جامعه ممنوع بوده است و تنها در محیط خانواده و در روابط زناشویی امکان گفتگو و رفتارهای جنسی وجود داشت. به اعتقاد وی سرکوب جنسی از نیمه قرن ۱۷ شروع شد و تا قرن ۱۹ ادامه یافت. در حقیقت پنهان‌کاری جنسی، اجتماعی وجود داشت و سکوت کامل در مورد مسائل جنسی در جوامع غربی حاکم بود. چنانچه افراد در مورد مسائل جنسی چیزی می‌شنیدند و می‌دیدند، آن را نادیده می‌گرفتند. خودداری ویکتوریایی سه ویژگی داشت: اول تابو؛ دوم امتناع و سوم سکوت.

ب) ساختار خانواده

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد خانواده و ساختار حاکم بر آن مسئول تأمین تمام نیازهای اعضای خانواده و از آن جمله نیازهای جنسی بوده است. در کتاب شهر باستانی^۲ اثر فاستل دی کولانجز^۳ خانواده باستانی اروپایی به زیبایی ترسیم شده است. خانواده از ادیان و آداب و سنن و مالکیت‌ها نشئت گرفته و دین نخستین و ارزشمندترین امتیاز ویژه خانواده بوده است (گاردنر،^۴ ۲۰۰۷). در جوامع سنتی، قدرت معمولاً در دست پدران بود و پدرسالاری در جوامع مختلف رواج داشت. در تمام کشورهای اروپایی ساختار سلسله‌مراتبی پدرسالارانه حاکم بود که پدر قدرت اصلی خانواده را در دست داشت. او مسئول رفتار اعضا و حتی وابستگی‌مانند خدمتکاران خانوادگی، رعایا و کارگران بود. رئیس خانواده قدرت نامحدودی بر تمام افرادی اعمال

1. The History of Sexuality

2. The ancient city

3. Coulanges, F.D.

4. Gairdner, W. D.

می‌کرد که تحت نظر او بودند. او حق انتخاب شغل و محل سکونت فرزندان و وابستگی‌اش و برگزاری مراسم ازدواج و دیگر مراسم‌ها را داشت و روابط جنسی را در چارچوب ازدواج تجویز می‌کرد. تربیت برعهده پدر بود و می‌توانست فرزندان خودش را به دلیل سرپیچی از دستورات تنبیه کند. پیرو قوانین قرون وسطی، جایگاه یک زن از نظر قانونی پس از ازدواج به تبع شوهر بود و این سیستم که نظام زوجیت نام داشت؛ در بیشتر کشورهای غربی رواج داشت. در عرف بیشتر کشورهای اروپایی، زنان نام خانوادگی خود را از دست می‌دادند و با نام همسرانشان شناخته می‌شدند. یک زن برایش مقدور نبود به نام خودش ارث و سرمایه‌ای داشته باشد، حتی اگر این سرمایه از دسترنج خودش فراهم شده بود. حق عقد قرارداد قانونی برای زنان وجود نداشت. او حق قانونی نسبت به حضانت و سرپرستی فرزندان خود را نداشت، مگر اینکه همسرش به‌طور صریح پس از مرگش این مسئله را خواسته باشد. اگر زن خانه و زندگی خود را ترک می‌کرد، حق بردن هیچ سرمایه و دارایی شخصی و حتی هدایای شخصی را نداشت و نمی‌توانست فرزندان خود را به همراه ببرد و مرد می‌توانست او را وادار به بازگشت به خانه کند. برخی از صاحب‌نظران اجتماعی معتقدند ساختار قدرت در خانواده و محدودیت‌های زندگی خانوادگی سنتی و پدرسالارانه نارضایتی عمومی را در بین زنان به وجود آورد و همین مسئله بعدها زنان را به پیگیری شیوه‌های اصلاح آن سوق داد (سامرویل، ۲۰۰۰). شواهد نشان می‌دهد که ساختار پدرسالاری در خانواده تا قرن هفده میلادی در بسیاری از کشورهای غربی استمرار داشت و قدرت خانواده در دست پدران بود و فرزندان به واسطه پدر تربیت و کنترل می‌شدند؛ اما در قرن نوزدهم و بیستم، انقلاب صنعتی آغاز و سبب تحولات اجتماعی شگرفی در جوامع غربی شد. شهرنشینی در اروپا گسترش یافت و با گذشت زمان، این پدیده به استرالیا و خاورمیانه کشیده شد. همزمان با انقلاب صنعتی بسیاری از پدران در کارخانه‌ها مشغول به کار شدند و از محیط خانه دور شدند. با جدایی محل کار از خانه در اقشار متوسط جامعه، اقتدار نسبی پدران در خانه کاهش یافت. از حدود سال ۱۹۶۰، رابطه پدران با خانواده‌های خود تغییر کرد و دو گونه پدر گرفتار و پدر غایب پدید آمد (پونزتی و جیمز،^۱ ۲۰۰۳). این مسئله خود از زمینه‌های تحولات جنسی و جنبش‌های گوناگون در زمینه خانواده در اواسط قرن بیستم شد.

ج) کارکرد خانواده

تاریخ بشر نشان می‌دهد که خانواده همواره مأمّن افراد و محل تأمین نیازهای آنان، از جمله نیاز جنسی بوده است. با وجود همه کاستی‌هایی که دوران سنتی با خود به همراه داشت، خانواده و کارکردهای آن، بستر مناسبی برای تأمین نیازهای عاطفی، جنسی و اقتصادی بود. تقسیم کار خانگی یکی از اساسی‌ترین راهکارهای کارآمدی بود که در گذشته انجام می‌گرفت. در قرن نوزدهم، نقش‌های جنسیتی در خانواده امری مسلم ارزیابی می‌شد. زنان نقش پرورش‌دهندگی و مراقبت از فرزندان را برعهده داشتند و شوهران برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده تلاش می‌کردند. این تقسیم مسئولیت جایگاه هر یک از اعضای خانواده را مشخص و نیازهای اقتصادی خانواده را تأمین می‌کرد و خانواده را به سوی اهداف آن رهنمون می‌ساخت. بر این اساس، مردان بیشتر به بازار کار سوق داده می‌شدند و زنان به کارهای خانه اشتغال می‌ورزیدند. با وجود تغییرات صد ساله اخیر، این روش هنوز در سراسر جهان از مولدترین و تخصصی‌ترین روش‌های تولید ثروت است. این نظام مبتنی بر همبستگی خانوادگی و نه وابستگی بود. همبستگی اجتماعی نظام سنتی نظام خانواده را سامان می‌بخشید. در این نظام، مردان برای ازدواج، تأمین نیازهای جنسی و روانی و فرزندآوری نیازمند زنان بودند و زنان برای محافظت، حمایت و تأمین نیازهای عاطفی، اقتصادی به مردان احتیاج داشتند. در این توافق اجتماعی ضمنی، مردان نقش تأمین‌کننده و حفاظت‌کنندگی و زنان پرورش‌دهنده و تولیدکنندگی را برعهده داشتند. بر این اساس، زن و مرد با وجود نیازهای متفاوت به یک اندازه به یکدیگر نیازمند بودند. تقسیم کار جنسیتی نمودی از یک نظام ارزشی کامل بود که در یک سلسله‌مراتب ارزشی خانواده جایگاه بالاتری از فرد را به خود اختصاص داده بود. این تقسیم کار از سلسله‌مراتب طبیعی قدرت (پدرسالاری) کمک می‌گرفت. این نظام یک شیوه جهانی بود که در همه نظام‌های اجتماعی این سلسله‌مراتب وجود داشت (گاردنر،^۱ ۲۰۰۷). در این سیستم هماهنگ، روابط جنسی به‌عنوان یکی از کارکردهای خانواده شناخته می‌شد و روابط خارج از چارچوب ازدواج امری مطرود بود. نگرش نسبت به روابط جنسی خارج از ازدواج منفی بود و افرادی که روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج را تجربه می‌کردند، در جامعه مورد پذیرش واقع نمی‌شدند. البته این نگرش منفی نسبت به مسائل جنسی خارج از ازدواج تا حدود دهه ۶۰ قرن

1. Gairdner, W. D.

بیستم ادامه داشت و از دهه ۱۹۷۰ تغییرات قابل توجهی نسبت به مسائل جنسی شکل گرفت و به مرور نگرش سهل‌گیرانه‌تری نسبت به آزادی جنسی و روابط پیش از ازدواج صورت پذیرفت (الیاس^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). به عقیده مایکل رز^۲ (۲۰۰۵)، از زمان‌های گذشته در فرهنگ اروپای غربی نگرش منفی نسبت به روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج وجود داشته است و آنان بر این عقیده بودند افرادی که رفتارهای جنسی خارج از بافت ازدواج دارند، عواقب ناگواری دامن‌گیر آنان خواهد شد. برای مثال در بسیاری از فیلم‌های غربی گذشته نشان می‌دهد که دخترانی که روابط جنسی داشته‌اند، عمر کمتری دارند و زودتر می‌میرند و دختران باکره از آسیب‌ها در امان هستند. بر این اساس، روابط و رفتارهای جنسی در چارچوب ازدواج پذیرفته شده بود و خانواده منبع تأمین نیاز جنسی افراد به شمار می‌آمد. جرج گیلدر^۳ (۱۹۸۶) در کتاب انسان و ازدواج^۴ به توصیف تفاوت‌های گوناگون زنان و مردان می‌پردازد که این تفاوت‌ها در زمان بلوغ به شکل فاحشی نمایان می‌شود و ازدواج فوایدی زیادی برای زنان و مردان به ارمغان می‌آورد. وی معتقد است: «بدن مردان مملو از انرژی‌های تعریف‌نشده‌ای است که به هدایت فرهنگی نیاز دارد». دستاوردی که ازدواج و تشکیل خانواده برای جامعه به ارمغان آورده، تأمین ابزاری برای مدیریت انرژی جنسی و فیزیکی مرد است و هدایت آن به سوی الگوی تولید مثل، رابطه جنسی در چارچوب ازدواج و تولید نسل است. در بافت خانواده، زن و مرد با هم توافق می‌کنند که از برقراری رابطه جنسی با فرد دیگری اجتناب نمایند. این مسئله کارکرد کنترل جنسی است که خانواده به جامعه ارزانی داشته است؛ بدین ترتیب، زن و مرد در چارچوبی از پیش تعیین‌شده زندگی عاشقانه‌ای را پی‌ریزی می‌کنند. گیلدر به ترسیم زیبایی از قدرت زنان می‌پردازد و معتقد است که در همه جوامع بشری، نیروی ازدواج و خانواده از اعمال قدرت زنان نشئت نمی‌گیرد، بلکه نیروی خانواده از قدرت مهارکنندگی زنان ناشی می‌شود؛ یعنی قدرت و توانایی زنان در کشاندن مردان به درون سیستم خانواده و فرزندآوری و مهار انرژی آنان برای آینده است. یوکر و رگنروس (۲۰۱۱) به مقایسه روابط سنتی و آزادی جنسی در دهه‌های اخیر پرداختند. وی با تأیید دیدگاه سنتی در روابط جنسی می‌گوید هر اندازه ارزش‌های فرهنگی در ازدواج، فرزندپرووری و خانواده رعایت شود؛ روابط سالم‌تری شکل می‌گیرد. روابطی که

1. Elias

3. Gilder, G.

2. Rose, M. R.

4. *Men and Marriage*

براساس فرهنگ و سنت شکل بگیرد، عاشقانه، صادقانه و بدون تزویر است؛ در صورتی که آشنایی با جنس مخالف به ازدواج بینجامد و به آموزه‌های دینی احترام گذاشته شود، فرزندآوری به صورت سالم اتفاق می‌افتد و سقط جنین جایگاهی ندارد. چنین روابطی شادی‌آفرین است و آسیب‌پذیری ندارد.

خانواده سنتی و نقش‌های از پیش تعیین‌شده جنسیتی، جدا از امکانات رفاهی و تأمین نیازهای اقتصادی، فضای صمیمانه بی‌بدیلی را به وجود می‌آورد که برای همیشه در ذهن انسان ماندگار می‌ماند. جرج الیوت (۱۸۱۹-۱۸۸۰) در کتاب آسیایی کنار فلوس صمیمیت در خانواده را به زیبایی ترسیم کرده است: «هیچ آرامشی قابل مقایسه با محیطی نیست که در آن متولد شده‌ایم، جایی که عزیزانمان در آن مجتمع بودند. مکانی که جهان خارج در امتداد زندگی شخصی مان خلاصه می‌شد، ما آن را پذیرفته بودیم و به آن عشق می‌ورزیدیم». ازدواج و تشکیل خانواده هم نیازهای جنسی، روانی اعضای خانواده را تأمین می‌کند و هم انگیزه دوجندانی در مردان ایجاد می‌کند تا به تولید ثروت روی آورند؛ به‌گونه‌ای که یافته‌ها گویای این مطلب است که مردان متأهل تقریباً دو برابر مردان مجرد کسب درآمد می‌کنند. خانواده انگیزه کار و تلاش را در افراد دوجندان می‌کند و این امر به تولید ثروت ملی و پیشرفت اقتصادی کشور می‌انجامد؛ بنابراین شکستن قداست ازدواج، اقتصاد خانواده را دچار مشکل می‌کند و این مسئله اقتصاد جامعه را به مخاطره می‌اندازد. بر این اساس، ازدواج انگیزه ثروت تولید می‌کند و بدون چنین انگیزه‌ای، جامعه در منجلاب منافع شخصی و بی‌حرکتی گرفتار خواهد شد (گاردنر، ۲۰۰۷).

ادیان و مذاهب

بررسی ادیان و مذاهب مختلف نشان می‌دهد که از دیرباز روابط جنسی در میان ادیان مورد توجه بوده است. تعبیر «باروری» به‌عنوان نتیجه رابطه جنسی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در ادیان مختلف به آن پرداخته می‌شود؛ همچنین، مفاهیم و تمثیل‌های خاصی که در ادیان ابتدایی ذکر شده است، مانند دو جنسیتی بودن خدایان از پیوند عمیق سکس و جنسیت با ادیان حکایت دارد. با مطالعه تاریخی جوامع بدوی درمی‌یابیم که بین زن و «زمین مزرعه»، مرد و «شخم» و رابطه جنسی «عمل شخم زدن» ارتباط برقرار شده است. درباره نگرش ادیان به مسائل جنسی دوگانگی وجود دارد؛ برخی از ادیان آن را امری طبیعی و مثبت می‌دانند و برای آن مراسم‌های خاص و چارچوب‌های ویژه در نظر می‌گیرند، مانند مسلمانان و هندوها و برخی

دیگر از ادیان نگرش منفی به آمیزش جنسی دارند و راهکارهایی را برای کنترل آن توصیه می‌کردند، مانند مرتاضان و تائوتیست‌های چین باستان (الید،^۱ ۲۰۰۴). بنابراین، ادیان مختلف به پیروی از آموزه‌های مورد پذیرش خود، باورها، نگرش‌ها و کنش‌های خاصی را در بین پیروان خود ترویج می‌کردند. بررسی ادیان گوناگون، سیر تحول فعالیت‌های جنسی را نشان خواهد داد. از آنجا که در مغرب‌زمین نقش برخی از ادیان و مذاهب بیش از دیگر ادیان برجسته و نمایان است؛ در ادامه بر ادیان مسیحیت (کاتولیک و پروتستان) و یهودیت تمرکز می‌کنیم.

الف) مسیحیت کاتولیک

۱. روابط جنسی، قرارهای دوستانه و هم‌خانگی

کلیسای کاتولیک اصول اساسی روشنی در مورد قرارهای دوستانه، روابط جنسی پیش از ازدواج و هم‌خانگی دارد. آموزه‌های اصیل کاتولیک روابط خارج از چارچوب ازدواج را برنمی‌تابد. این آموزه‌ها اذعان دارند افرادی که وارد قرارهای دوستانه یا هم‌خانگی می‌شوند؛ با وجود ایمان به کاتولیک، برخلاف اصول اساسی کلیسای کاتولیک رفتار می‌کنند یا نسبت به این اصول بی‌اعتنایی می‌ورزند. از نظر کلیسای کاتولیک تمایلات جنسی بخش اساسی طبیعت انسان است. در حقیقت احساسات جنسی، افکار و تمایلات و غرائز طبیعی و ذاتی شناخته شده‌اند. کلیسا آموزش می‌دهد که هر نوع تمایلات جنسی باید در شرایط خاصی بروز کند و رفتارهای جنسی باید علامت و نشانه تعهد به شخص دیگر باشد؛ در واقع، این چنین تعهداتی در شرایط زودگذر مثل قرار دوستانه و یا درگیر شدن در روابط جنسی پیش از ازدواج در نظر گرفته نمی‌شود و چنین افرادی متعهد نیستند (اوندرا،^۲ ۲۰۰۸).

با تمرین پاکدامنی و نجابت، فرد نفس خود را در سلطه خود قرار می‌دهد و خودمهارگری وی تقویت می‌شود که در این صورت نه قربانی است و نه اسیر شهوات جنسی دیگران. تقوا و عفت به آشتی درونی خود، تقویت اراده و خودکنترلی در شخص می‌انجامد؛ افزون بر این، رابطه براساس پاکدامنی و عفت به شخص کمک می‌کند تا بدون خودخواهی، خشم و یا انتظارات ناخواسته در چارچوب روابط متعهدانه عشق بورزد (لاولر^۳ و همکاران، ۱۹۹۸). عفت و پاکدامنی در کلیسای

1. Eliade, M.

2. Onedera, J. D.

3. Lawler

کاتولیک دیده می‌شود؛ بدین گونه که پاکدامنی و تقوا به همه کسانی که چه ازدواج کرده‌اند و یا مجردند، فرصتی می‌دهد تا به‌ویژه در تعاملاتشان با دیگران به شیوه آیین مسیحی زندگی کنند. همان گونه که گفته شد، هم‌خانگی از سوی آیین کلیسا حمایت نمی‌شود. کلیسای کاتولیک بر این فرض است که «عشق انسانی، ازدواج آزمایشی را تحمل نمی‌کند»^۱. با وجود این، بعضی از اسقف‌های کاتولیک در رابطه با زوجین هم‌خانه‌ای که خواستار ازدواج هستند، سیاست‌های رسمی را به عمل آورده‌اند. بعضی از این سیاست‌ها شامل جشن ازدواج ساده‌تر و کمک به زوجین هم‌خانه جهت ترتیب دادن ازدواج شرعی و رسمی است (شاف، ۱۹۹۶).

۲. همجنس‌گرایی

دو موضوع اساسی وجود دارد که کلیسای کاتولیک براساس آنها به توصیف همجنس‌گرایی می‌پردازد؛ نخست اینکه، هر فرد یک هویت اساسی و مستقل دارد و دیگر اینکه هویت او به روشنی با خدا و زندگی ابدی درهم تنیده شده است (لاولر و همکاران، ۱۹۹۸)؛ همچنین، در کلیسای کاتولیک شرایط و ویژگی‌های مربوط به افراد همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا بحث نمی‌شود و کلیسای کاتولیک در مورد گرایش جنسی قضاوت نمی‌کند، بلکه بر رفتارهای جنسی دو همجنس‌گرا تمرکز دارد و اعمال همجنس‌بازی را غیراخلاقی در نظر می‌گیرد. موضع کلیسا در زمینه تمایلات همجنس‌گرایانه یک موضوع انتخاب نشده است که افراد بدون انتخاب ارادی خود درگیر این تمایلات هستند.

کلیسای کاتولیک همجنس‌بازی را برنمی‌تابد، آنان معتقدند براساس تورات، همجنس‌گرایان به شدت دچار اشتباه می‌شوند؛ زمانی که به همجنس‌بازی روی می‌آوردند و ازدواج همجنس‌گرایان پذیرفتنی نیست. کتاب کلیسای کاتولیک (۲۰۰۳) شرح می‌دهد که اعمال همجنس‌گرایانه در تضاد با قانون طبیعت است؛ افزون بر این، رفتارهای جنسی هدیه‌ای از زندگی است که به‌عنوان یک اصل اساسی در آموزه‌های کاتولیک در بافت ازدواج و خانواده صورت می‌گیرد؛ همچنین، ازدواج در کلیسای کاتولیک تنها بین یک زن و یک مرد ممکن است و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تنها با ازدواج رابطه جنسی طبیعی رخ می‌دهد (لاولر و همکاران، ۱۹۹۸). افرادی که گرایش‌های همجنس‌خواهانه دارند؛ همانند افرادی که طلاق گرفته‌اند، در کلیسا مورد پذیرش قرار می‌گیرند. در

1. human love does not tolerate 'trial marriages

واقع، کلیسا معتقد است این افراد به سبب گرایش‌هایشان با سختی‌های زیادی روبه‌رو خواهند شد. با وجود این، کلیسا معتقد است که این افراد زندگی پاکدامنه‌ای خواهند داشت و از راه این خودمهارگری است که فرد می‌تواند آزادی بیشتر و تجربه نزدیک شدن بیشتر به خداوند را به دست آورد. کلیسا معتقد است دیگران نیز باید این افراد را با احترام و همدلی بپذیرند. در آیین کلیسا هیچ تبعیضی پذیرفته شده نیست (اوندرا،^۱ ۲۰۰۸).

۳. ازدواج و روابط جنسی

اصلی‌ترین ویژگی کاتولیسم اصل تقدس است (مک برین، ۱۹۹۴). از راه هفت آداب مذهبی شامل غسل تعمید، تصدیق، شکرگزاری، توبه کردن، روغن مالی بیماران، دسته‌های مقدس و ازدواج این امر تحقق می‌پذیرد. همچنین رسوم دینی بیانگر نشانه‌های ظاهری در پیشگاه مسیح و ارتباط با خدا است (گروم، ۲۰۰۲). برای مثال، در ازدواج همسر می‌تواند نشانه بیرونی خدا را در رفتار همسرش ببیند. تقدس ازدواج موجب ارزشمند شدن هر یک از همسران می‌شود، چون عشق به مسیحیت را از راه ارتباط متقابل با همسرشان ارتقا می‌دهند. در ازدواج زوجین به عیسی مسیح قول می‌دهند تا سفر زندگی‌شان را به درستی آغاز و محافظت کنند و عشق جنسی را مقدس نگاه دارند و آن را با نشانه‌هایی از عشق به همدیگر نیرومند کنند. به واسطه مقدس بودن ازدواج، روح القدس زوج‌ها را تا زمان مرگ به نیروی نگهداری ارتباط مجهز می‌سازد. اعمال مذهبی شخص را کاملاً مسئول نگه می‌دارد. بدین ترتیب از زوج‌ها انتظار می‌رود براساس ارزش‌هایی که مسیح به آنان ارزانی داشته، عمل کنند و ارتباط‌شان را با مهربانی، اعتماد، فروتنی، عشق و بخشش پرورش دهند.

در آداب ازدواج، یک مرد و زن تعمید شده به صورت دوطرفه و انحصاری با رضایت قطعی، خودشان را به همدیگر هدیه می‌کنند. با پیمان‌شان، آنها به وسیله مسیح به اتحادی متصل می‌شوند که برای همیشه نسبت به هم محترم، نگران، دلسوز و متعهد می‌شوند (لاولر، بویل و می، ۱۹۹۸). کلیسای کاتولیک (۲۰۰۳) باور دارد که ازدواج به‌عنوان یک پیمان شکست‌ناپذیر است که دو زندگی متفاوت یکی می‌شوند. کلیسای کاتولیک مسیری متناسب با انجیل ترسیم می‌کند تا معنای ازدواج را توضیح دهد؛ برای نمونه در افسیانس^۲ نوشته شده است: همسران برای شوهرشان به‌عنوان یک شاهزاده مورد هدف قرار می‌گیرند. برای شوهران

1. Onedera, J. D.

2. Ephesians

مهم بودن همسرشان همانند مهم بودن کلیسا است. از آنجا که در مسیحیت موضوع مهم «مسیحیت» است، بنابراین همسران برای شوهرشان نیز مهم هستند. شوهران عشق به همسرشان را به عنوان عشق مسیحیت به کلیسا می دانند و خودشان را برای او فدا می کنند. در آموزه های کاتولیک، آیین ازدواج با ارتباط خاصی که مسیح با اعضای کلیسا دارد، مقایسه شده است. توماس آکویناس معتقد است که اتحاد مسیحیت با کلیسا از راه ازدواج معنادار است (ویشپیل و لارچر، ۱۹۸۰). به عبارت دیگر، ارتباط داماد با عروس باید در رقابت با عشقی باشد که مسیحیت به کلیسا دارد. از آنجا که مسیحیت کلیسا را وقف می کند، تسلی می دهد و تقویت می کند، بنابراین زن و شوهر نیز باید این چنین باشند (جان پال دو، ۱۹۹۷). کلیسای کاتولیک زوج ها را رها نمی کند تا اینکه چطور عشقشان را به ارتباطشان نفوذ دهند را حدس بزنند. به یاری معلمان و کتاب های دینی کلیسای کاتولیک (۲۰۰۳)، برای زوج ها راهنمایی هایی فراهم می شود تا سلامت ازدواجشان را بهبود دهند یا حفظ کنند.

در امر ازدواج، «من به شما قول می دهم در خوشی ها و ناراحتی ها به شما وفادار باشم و شما را گرامی بدارم و در تمام مراحل زندگی به شما افتخار کنم»، زوجین به یکدیگر متعهد می شوند که رضایت را برای یکدیگر به ارمغان آورند، آنها با زبان و بدن در کلیسا و در پیشگاه حضرت مسیح پیمان می بندند (جان پول دوم، ۱۹۹۷؛ می، ۲۰۰۰). با توجه به معنای ازدواج به عنوان سوگند زن و مرد به ارائه شاهد یا گواهی ملزم می شوند. کتاب سؤال و جواب دینی کلیسای کاتولیک (۲۰۰۳) بیان می کند که در ازدواج تمام عناصر شخصی حضور می یابد، جاذبه بدن و غریزه، قدرت احساس، اشتیاق روح و خواست و میل. اتحادی که فراسوی آن شهوانی است و به شکل گیری یک قلب و روح می انجامد، نیاز به ثبات و وفاداری دارد؛ اما هدف آن نه تنها تصفیه روح زوجین و قدرتمند ساختن آنهاست، بلکه به نیت گسترش دادن ارزش های مسیحیت نیز می باشد. اتحاد و ثبات در رابطه نتیجه تلاش انسان نیست، بلکه عقد کامل همدلی و صمیمیت در پیشگاه عیسی مسیح است که از راه سوگند نکاح شکل می گیرد (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۳). در این رابطه تعهد به زندگی و التزام اخلاقی به وجود می آید؛ بدین معنا تا زمانی که طرف مقابل زنده است، به او وفادار باشد. رابطه بین زن و شوهر باید نمادی از رابطه آنها با مسیح باشد (جان پول دوم، ۱۹۹۷). تأکید بر صداقت در امر ازدواج برای حفظ وفاداری میان زوجین می باشد، همان طور که مسیح به کلیسای خود وفادار است.